

یادگار زیران

مثنوی حماسی از دوران کهن

برگردان
ژاله آموزگار



انتشارات معین

عنوان و نام پدیدآور	: یادگار زیریران: متنی حماسی از دوران کهن / برگردان ژاله آموزگار.
مشخصات نشر	: تهران: معین، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۶۳ ص.
شابک	: 978-964-165-090-4
وضعیت فهرست نویسی	: فیا.
عنوان دیگر	: متنی حماسی از دوران کهن.
موضوع	: ادبیات پهلوی.
شناسه افزوده	: آموزگار یگانه، ژاله، ۱۳۱۸-
رده بندی کنکره	: ۱۳۹۲ / ۵۱ / PIR۲۰۶۵
رده بندی دیویی	: ۸۶۰ / ۰۷۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۳۲۲۳۴۶



انتشارات معین

رویه روی دانشگاه تهران، فخر رازی، فاطمی داریان، پلاک ۳
صندوق پستی ۷۷۵-۱۳۱۴۵ / تلفن ۶۶۹۷۷۲/۲ ۶۶۴۰۵۹۹۲
پست الکترونیکی: info@moin-publisher.com

یادگار زویران

برگردان: ژاله آموزگار

چاپ اول: ۱۳۹۲

حروف نگاری: علم روز

لیتوگرافی: صدف

چاپ: مهارت

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

تمامی حقوق این اثر برای انتشارات معین محفوظ است.

فروش اینترنتی: www.moin-publisher.com

فروش تلفنی: ۶۶۴۱۴۲۳۰-۶۶۹۶۱۴۹۵

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

پیشگفتاری بر یادگار زیربان^۱

آثار بیازمانده به زبان پهلوی ساسانی را معمولاً به دو دسته متون دینی و غیردینی تقسیم می‌کنند. گرچه در همه این آثار که بدان نام ادبیات پهلوی زردشتی^۲ نیز داده‌اند، هاله‌ای از باورهای دینی زرتشتی را می‌توان یافت. ولی چون در تعدادی از این متون مستقیماً از مطالب دینی سخن به میان نمی‌آید، عنوان متون غیردینی برای آنها برگزیده شده است. یادگار زیربان، همراه آناری همچون کارنامه اردشیر بابکان، شهرستان‌های ایران، خسرو و ریدک، شگفتی‌ها و برجستگی‌های سیستان، گزارش شطرنج، سور سخن و... را می‌توان جزء این گروه به شمار آورد.^۳

۱. در پهلوی *Ayādgār ī Zarērān*.

۲. ابوالقاسمی، محسن، تاریخ زبان فارسی، انتشارات سمت، چاپ اول ۱۳۷۳، ص ۱۴۸.

۳. تفضلی، احمد، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش ژاله آموزگار، انتشارات سخن، چاپ اول ۱۳۷۶، به ترتیب صفحات ۲۶۷، ۲۶۳، ۲۶۰، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۳، ۲۹۱.

یادگار زیربان رساله کوچکی است به زبان پهلوی ساسانی، ظاهراً به نثر همراه با شعر^۱، اثری حماسی، که اصل پارتی دارد، چون در خلال آن، واژگان، ترکیبات و ساختارهای زبان پارتی را می‌توان دید.

این اثر کهن‌ترین تعزیه‌نامه و نمایشنامه ایرانی به شمار می‌آید^۲ و قطعه‌ای است احتمالاً از یک رشته حماسه‌های ایرانی که به همت گوسان‌های^۳ پارتی تا دوره ساسانی، به طور شفاهی زنده بوده‌اند. و شاید این اثر در آن زمان تدوین یافته است و چون به دست موبدان ایرانی از حالت شفاهی به نوشتاری درآمده است، رنگ و بویی نیز از دین مزدیسناپی گرفته، ولی روح پهلوانی آن همچنان محفوظ مانده است^۴.

بنویست نخستین بار به شعر بودن این متن پی برد و کوشش کرد ساختن شعری آن را مشخص کند^۵.

۱. آموزگار، ژاله، «یادگار زیربان (نثر توأم با شعر)»، وزن شعر فارسی از دیروز تا امروز، به کوشش امید طیب‌زاده، انتشارات فرهنگستان زبان ادب فارسی، چاپ اول، ۱۳۹۰، ص ۴۰-۴۳.

۲. ماهیارنوبی، یحیی، یادگار زیربان، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۴، ص ۷.

۳. گوسان‌ها سرایندگان و خوانندگانی بودند که داستان‌های حماسی و عاشقانه و روایت‌های کهن ایرانی را به یاد داشتند و آنها را با ساز می‌خواندند. این گروه قصه‌گو و نقال که افسانه‌ها را سینه به سینه نقل کرده‌اند و در دوره ساسانی به خدایگان معروفند، نمادی از سنت شفاهی ایران هستند و در حفظ میراث ادبی گذشته این سرزمین نقش عمده‌ای بازی کرده‌اند. برای توضیحات بیشتر نک: بویس، مری، گوسان پارتی و سنت نوازندگی در ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، انتشارات توس، ۱۳۶۹.

۴. کیا، خجسته، قهرمان بادیه، نشر مرکز، ۱۳۷۵، ص ۲۶.

5. Benveniste, E. "Le memorial de Zarēr", J. A. 1932.

ذبیح‌الله صفا این نوشته را به فارسی برگردانده است که بنا بر نظر ماهیارنوبی اشتباهاتی در ترجمه آن به چشم می‌خورد. (ماهیارینوبی، همان، ص ۱۴).

احتمال این نیز هست که مطالب این اثر از متنی اوستایی که امروزه در دست نیست اقتباس شده باشد^۱، چون بخش هایی از آن را در کتاب هفتم دینکرد نیز می توان یافت^۲.

یادگار زریران شرح جنگ ایرانیان با خیونان^۳ در دوره گشتاسب، شاه ایران و ارجاسب، خداوندگار خیونان است. در این نبرد بیست و سه تن از برادران و پسران گشتاسب، از آن جمله زریر، یادخسرو، فرشآورد... کشته می شوند. بستور پسر خردسال زریر به خونخواهی پدر به میدان می رود و بر مرده پدر با لطیف ترین واژه ها تسوگواری و نوحه سرایی می کند، و ناله های او شاه بیت های سرگناه های کهن در دل این متن حماسی می شود. سرانجام سپاه ایران به یاری اسفندیار، پسر گشتاسب بر خیونان پیروز می شوند و ارجاسب را شکست خورده به دیار خود بازمی گردانند. دقیق این داستان را به شعر داورده است و فردوسی سروده دقیق را به طور کامل در شاهنامه گنجانده است^۴.

۱. تفضلی، همان، ص ۲۶۸.

۲. آموزگار، تفضلی، اسطوره زندگی زردشت، نشر چشمه، چاپ هشتم، ۱۳۸۷، ص ۱۰۴ به بعد.

۳. خیونان که در این متن پهلوی به صورت hyonān آمده است، به مردمانی اطلاق می شد که در آن سوی ماوراءالنهر زندگی می کردند و در دوره های بعدتر با تورانیان همسانی می یابند. این اقوام را هون ها، هیاطله، هفتاله، هفتالیان، هبتالیان نیز خوانده اند، مهرداد بهار آنها را ایرانی می داند (بهار، پژوهشی در اساطیر، ص ۲۷۱)، ولی در فرهنگ لاروس، فرهنگ معین، دایرةالمعارف مصاحب، توضیحات کافی دال بر غیرایرانی بودن آنها هست. در کتاب تاریخ ایران و عرب ها، اثر تودور نلدکه، ترجمه عباس زریاب خویی، انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸، ص ۲۲۳، توضیحات مفصلی درباره این قوم آمده است.

۴. شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق، دفتر پنجم، ص ۷۶ به بعد.

گرچه سروده دقیق با متن پهلوی یادگار زیربان مطابقت کامل ندارد ولی در بسیاری از موارد همسان‌اند.^۱ ماهیار نوایی در بخشی از پژوهش ارزنده خود، همسانی‌ها و تفاریق را با آوردن ترجمه متن پهلوی در کنار اشعار شاهنامه، نشان داده است.^۲

از تاریخ‌نویسان سده‌های نخستین اسلامی، تنها تعالی هست که در غررالسیر یا غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم، این داستان را می‌آورد که با متن پهلوی اختلافاتی دارد. در آنجا داستان با تفصیل بیشتری روایت شده است.^۳ متن پهلوی این رساله، در مجموعه متون پهلوی، به چاپ رسیده است.^۴ متن یادگار زیربان از دیرباز مورد توجه ایران‌شناسان و پژوهشگران قرار گرفته است.^۵

گیگر^۶ در ۱۸۹۰ از پیوستگی آن با شاهنامه سخن گفته است، نلدکه^۷، هوبشمن^۸، مدی^۹، نیبرگ^{۱۰}، بنویست^{۱۱} و دیگران، ترجمه‌ها و یادداشت‌هایی در این باره منتشر کرده‌اند.

۱. ماهیار نوایی، همان، ص ۸. ۲. ماهیار نوایی، همان، ص ۴۳ به بعد.

۳. روحانی، سیدمحمد، شاهنامه کهن، پارسی تاریخ غررالسیر، انتشارات دانشگاه فردوسی، چاپ اول، ۱۳۷۲، ص ۱۶۵ به بعد.

4. Jamasp Asana, Parilavi Texts, Bombay 1897/1913, P. 1-17.

ماهیاری نوایی در سال ۱۹۶۹، این متن را مجدداً جزء انتشارات بنیاد فرهنگ تجدید چاپ کرده است و متن پهلوی پایانی کتاب از این اثر گرفته شده است. نک: همو، یادگار زیربان، ص ۱۵.

۵. برای اطلاع از جزئیات پژوهش این دانشمندان که نامشان در بند بعدی ذکر می‌شود، نک: ماهیار نوایی، یادگار زیربان، ص ۱۱ به بعد.

6. Geiger. W.

7. Nöldtke. Th.

8. Hußschman

9. Modi. J. J.

10. Nyberg, H. S.

11. Benveniste. E.

مری بویس به شباهت‌هایی میان این روایت و داستان عاشقانه زریادرس و آداتیس^۱، اشاره می‌کند.^۲

داود منشی‌زاده ترجمه‌ای به آلمانی از آن به چاپ رسانده است^۳ که انتقاداتی را از جانب شروو^۴ و ماتسوخ^۵ و لازار^۶ و شکی^۷ به دنبال داشته است. اولین ترجمه فارسی این اثر، پس از ترجمه ذبیح‌الله صفا از نوشته بنوتیست^۸، از ملک‌الشعراى بهار است.^۹

سعید عریان^{۱۱} و بیژن غیبی^{۱۲} نیز آن را به فارسی ترجمه کرده‌اند. مهرداد بهار ترجمه کاملی از آن را در پژوهشی در اساطیر ایران داده است.^{۱۳} خجسته‌کیا با توجه به صورت‌غایشی آن، این اثر را تحلیل کرده است.^{۱۴}

1. Boyce, M. "Zariadres and Zarer" BSOAS XII, 1955, 463-77.

و ترجمه فارسی آن: مری بویس، «زریادرس و زریر»، ترجمه کتابیون صارمی، پشت فرزانیگی، جشن‌نامه دکتر محسن ابوالقاسمی، انتشارات هرمس، ۱۳۸۴، ص ۱۶۵ تا ۱۶۸.
۲. تفضلی، همان، ص ۱۸.

3. Monchizadeh, D. "Die Geschichte Zarēr's Ausführlich Kommentiert". Acta Universitatis Upsaliensis, Studia Indoeuropaea Uppsaliensia, 4, Uppsala, 1981.

4. Skjaervø, P. O.

5. Macuch, M.

6. Lazard, G.

7. Shaki, M.

۸. برای توضیحات بیشتر در مورد انتقادات این ایران‌شناسان، نک: ماهیارنوائی، همان، ص ۱۷ و ۱۸.
۹. نک: به قبل.

۱۰. بهار، محمدتقی، ترجمه چند متن پهلوی، تهران، ۱۳۴۷، ص ۵۵ تا ۷۹.

۱۱. عریان، سعید، متون پهلوی، تهران، ۱۳۷۱.

۱۲. غیبی، بیژن، یادگار زریران، بیلفلد، ۱۳۷۵.

۱۳. بهار، مهرداد، پژوهشی در اساطیر ایران، ص ۲۶۴ تا ۲۷۴.

۱۴. کیا، خجسته، قهرمانان بادپای، نشر مرکز، ۱۳۷۵.

ارزنده‌ترین اثر در این مورد پژوهش عالمانه ماهیار نوایی است که متن پهلوی آن را با ترجمه فارسی و آوانویسی لاتین و سنجش آن با شاهنامه، همراه با یادداشت‌های مفصل و سودمند و واژه‌نامه منتشر کرده است.^۱

من سالها این متن را در دانشگاه تهران تدریس کرده‌ام و درباره نکات آن با همکاران و بخصوص زنده‌یاد احمد تفضلی مشورت کرده‌ام و بر مبنای این تجربه‌ها، ترجمه حاضر، برگردانی است جدیدتر از این متن حماسی شاعرانه. همه پژوهش‌های پیشین نیز مدّ نظر بوده است و مورد استفاده. در این برگردان کوشیده‌ام ضمن وفاداری کامل به متن اصلی، زبانی روان و مفهوم همگان عرضه کنم و تا آنجا که می‌توانستم کوشیده‌ام تا از لطافت و شیرینی این متن شاعرانه کم نگیرم.

در این ترجمه بیش از همه از یادداشت‌های بسیار سودمند استادام ماهیار نوایی، که آموزش زبان پهلوی را با او آغاز کردم و ادامه تحصیل در رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی را و امداد کلاس‌های شیرین و پر بار او هستم، بهره برده‌ام.

ترتیب بندها را بنابر شماره گذاری جاماسب آسانا حفظ کرده‌ام. در جاهایی که برگردان من با ترجمه‌های پیشین تفاوت‌هایی داشته است، در زیرنویس‌ها بدان اشاره شده است و در یادداشت‌ها در حد امکان از توضیحات کاملاً تخصصی پرهیز کرده‌ام.

در چاپ این کتاب هم مرهون مهربانی‌های آقای لیما صالح زامسری مدیر فرهنگ دوست انتشارات معین هستم، اصرار و پشتکار ایشان، راه انتشار این اثر را هموار کرد و همچنین بار دیگر تخصص و بردباری آقای

۱. ماهیار نوایی، یحیی، یادگار زیربان، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۴.

مسعود فیروزخانی یار و همراه من در عرضه این کتاب شد.
باشد که این تلاش نیز دریچه‌ای باشد بر روشنی‌های فرهنگ غنی این
سرزمین.

ژاله آموزگار

www.ketab.ir